**فقه، جلسه 63: 11/11/۱۳۹۹، استاد سید محمد جواد شبیری**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

و به نستعین انه خیر ناصر و معین الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آله الطاهرین

و اللعن علی اعدائهم اجمعین من الآن الی قیام یوم الدین

در جلسة قبل یک صحبتی کردیم در مورد این‌که مرحوم کلینی قائل به حیضتان نیست، عبارتی را که حاج آقا استظهار کرده بودند، عبارت مرحوم کلینی را توضیح دادیم. حالا می‌خواهیم یک مقدار بیشتر این مطلب را توضیح بدهم، آن این است که روایت حیضتان عمدتاً عرض کردیم در مورد حیضتان یک روایت اسماعیل بن فضل هاشمی هست که آنجا حیضتان ذکر شده که مرحوم کلینی آن را در باب عدة متعه نیاورده بود، در باب دیگری آورده بود. و تازه آن هم اختلاف نقل بود. اسماعیل بن فضل هاشمی حیضتان ذکر کرده بود، زراره حیضه ذکر کرده بود. آن با اختلاف در نقلش در باب عدة متعه اصلاً نیاورده بود. بلکه در باب دیگر، در باب انهن بمنزلة الاماء لیست من الاربع آورده بود، قطعة دیگر روایت مد نظر ایشان بود. اما این یک روایت.

روایت دیگری که دال بر حیضتان هست، روایت ابی بصیر است. این روایت ابی بصیر در کتاب معروف به نوادر احمد بن محمد بن عیسی که کتاب حسین بن سعید است وارد شده. صفحة ۸۱، حدیث ۱۸۲ با این سند عن نذر بن سوید عن عاصم بن عبید عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام قال سألتُ ابا جعفر علیه السلام عن المتعة قال نزلت فی القرآن ؟؟؟ ۲:۴۱ الله آیة شریفه را ذکر کرده. قال لا باس بان تزیدها و عبارت را آورده، تا اینجا و لا تحل لغیرک حتی تنقضی عدتها و عدتها حیضتان. که این در کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی که گفتیم کتاب حسین بن سعید است در آن نقل شده. این یکی.

شبیه همین هم در تفسیر عیاشی وارد شده که این را در جامع احادیث رقم ۳۸۴۹۶ نقل شده. این روایت در اصول ستة عشر هم نقل شده که حالا بعد اصول ستة عشر را می‌خوانیم.

مرحوم کلینی در کافی، این روایت را تقطیع کرده. قطعة اوّل روایت را که در مورد آیة قرآن هست، در جلد ۵، صفحة ۴۴۸، حدیث ۱، «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْقُرْآنِ»

آیة شریفه را آورده. این یک.

قطعة دوم روایت را لا بأس ان تزیدک و تزیدها، این را در صفحة ۴۵۸، حدیث ۱، باب الزیادة فی الاجل، با همان اسناد اوّلیه آورده، صفحة ۴۵۸، حدیث ۱ آورده. که البته احتمال زیاد اینجا یک سقطی در سند رخ داده. عبد الرحمن بن ابی نجران و احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابی بصیر است. آنجا ابن ابی نجران عن عاصم بن حمید عن ابی بصیر قال سألت ابی جعفر. چیزش را عاصم بن حمید اینجا افتاده.

قال بأس بان تزیدک و تزیدها، این تکة روایت را آورده، تا «و لا یحل ذلک لغیرک حتی تنقضی عدتها». «و عدتها حیضتان»، آن تکه را نیاورده. و اصلاً این عدتها حیضتان را که در این روایت هست را ایشان نیاورده، نه در این باب، نه در باب عدة المتعة. این کاملاً مشخص هست که مرحوم کلینی عدتها حیضتان را بهش فتوا نمی‌خواهد بدهد. و این البته نقل نکردن مرحوم کلینی دلیل بر این نیست که در روایت نبوده. مرحوم کلینی به این قطعة روایت فتوا نمی‌داده. علاوه بر این‌که حالا یک نکته‌ای را عرض بکنم. مرحوم کلینی لا بأس بان تزیدک و تزیدها را به ابی بصیر نسبت داده، آن تکه را. گویا و قال، آن در روایت قال داشت لا بأس بان تزیدها، قال را به ابی بصیر برگردانده. البته ظاهر عبارت نوادر اشعری این هست که مرجع ضمیر امام باقر علیه السلام هست. ولی گویا مرحوم کلینی این را روایت ابی بصیر، موقوفة ابی بصیر دانسته، فتوای ابی بصیر دانسته، آن لا بأس بان تزیدک و تزیدها را پسندیده، آن را آورده، ولی بقیة روایت را، چون بهش فتوا نمی‌داده، اینجا نیاورده. علی ای تقدیر در این‌که مرحوم کلینی به حیضتان فتوا نمی‌دهد بحثی نیست. البته در این‌که روایت ابی بصیر حیضتان دارد تردیدی نیست. چون هم در نوادر اشعری عدتها حیضتان دارد، هم در تفسیر عیاشی این را نقل کرده، هم در اصل عاصم بن حمید که نقل‌های کلینی هم بالأخره به همان اصل عاصم بن حمید باز می‌گردد، اصل عاصم بن حمید هم هست، عدتها حیضتان دارد، البته یک کمی متن روایتش متفاوت هست. متن را می‌خوانم، ولی در این قطعة عدتها حیضتان تفاوتی با سایر نقل‌ها ندارد. این متن چیز هست، عنه عن ابی بصیر قال سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول قال علی لو لا ما سبقنی بابن الخطاب ما زنی الا شقی قال ثم قراء هذا الآیة «**فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَريضَةً وَ لا جُناحَ عَلَيْكُمْ فيما تَراضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَريضَةِ**» قال یقول اذا انقطع الاجل فیما بینکما استحللتها و اجل آخر توضیحا و لغیرک حتی ینقضی الاجل و عدتها حیضتان. این نقل. در همة اینها عدتها حیضتان دارد، ولی علی ای تقدیر مرحوم کلینی این تکه را نیاورده، در هیچ قسمتی از نقل‌هایش نیاورده، نه در این باب، نه در باب عدة متعه، پیداست که ایشان عدتها حیضتان فتوا نمی‌دهد. این یک مطلب.

اما حالا روایت‌هایی که ما داریم، من مراجعه کردم ببینم چند گروه روایت داریم. به نظرم مجموعاً ما ۱۲ گروه ما روایت داشتیم. و این روایت‌ها را من فهرست روایت‌ها را عرض می‌کنم. یک گروه روایت‌هایی دارد که عدة متعه را ۴۵ روز قرار داده که یک عدة دیگر ۴۵ شب قرار داده، که این را حاج آقا در بحثشان مفصل آدرس این ۴۵ روز و ۴۵ شب را دادند، دیگر من اکتفا می‌کنم به همان بحث‌های حاج آقا، و حاج آقا این مطلب را اشاره می‌فرمایند که این روایت‌های ۴۵ روز و ۴۵ شب را نمی‌توان حمل کرد بر ذات الشهور، چون قدر روشن، یعنی فرد ظاهر زنی که متعه می‌شود ذات الاقراء هست. این‌که ذات الشهور، یعنی زنی است که فی سن من تحیض هست و لا تحیض هست. خب این فرد نادری است. آن شایعش این هست که من تحیض باشد. خب من تحیض باشد، این ۴۵ روز و ۴۵ شب آنها را شامل می‌شود. حالا اینها چجوری جمع می‌کنیم، بعداً در مورد آن صحبت می‌کنیم. این دستة اوّل ۴۵ روز، دستة دوم ۴۵ شب. دستة سوم ۴۵ روز و الاحتیاط در ۴۵ شب هست که این رقم ۳۸۴۶۶، روایت احمد بن محمد بن ابی نصر عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال قال ابو جعفر علیه السلام عدة المتعة خمسة و اربعون یوما و الاحتیاط خمسة و اربعون لیلة که ما این روایت را در سندش سهل بن زیاد هست، ما سهل بن زیاد را تصحیح می‌کنیم. این هم یک دسته.

یک دسته روایت حیضتان هست که حیضتان عرض کردیم که حیضتان فقط روایت ثابتش روایت ابی بصیر است. روایتی که فقط حیضتان تعبیر کرده. حیضتان روایت ابی بصیر است که. البته این روایت در مورد کسی که حالا حیضه نمی‌بیند، چه حکمی دارد سکوت دارد. آن روایتی که فقط حیضتان تعبیر کرده را فقط روایت ابی بصیر است. اما روایت دیگر، دستة پنجم گفته که حیضتان و ان کانت لا تحیض فخمسة و اربعون یوما. این روایت اسماعیل بن فضل هاشمی است، بنابر نقل کافی در جامع احادیث ۳۸۳۶۱ هست. این هم دستة پنجم. دستة ششم ان کانت تحیض را فحیضة دانسته و ان کانت لا تحیض را فشهرٌ دانسته. این روایت اسماعیل بن فضل هاشمی هست بنابر نقل نوادر. در نقل نوادر به این شکل نقل شده.

دستة هفتم، روایت زراره هست که در ذیل همین روایت اسماعیل بن فضل هاشمی نقل شده که ان کانت تحیض فحیضة و ان کانت لا تحیض فشهر و نصف. این روایت زراره چه در نقل کافی، چه در نقل نوادر، قطعة مربوط به روایت زراره‌اش واحد نقل شده. نقل زراره‌اش یکسان است، آن تفاوت نقلی که دارند در نقل اسماعیل بن فضل هاشمی است و به هر حال این شکلی نقل شده. این هم دستة هفتم. روایت اسماعیل بن فضل هاشمی، در جامع احادیث، رقم ۳۸۳۶۱ و ۳۸۴۷۱ این دو تا نقل شده. اوّلی‌اش ۳۸۳۶۱ نقل کافی‌اش است. نقل اصلی‌اش نقل کافی است. ۳۸۴۷۱، نقل نوادرش است. این هم دستة هفتم.

دستة هشتم، روایت عبد الله بن عمرو است که خمسة و اربعون یوماً او حیضة مستقیمة. این روایت سندش این هست، «مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمُتْعَةِ فَقَالَ حَلَالٌ لَكَ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ قُلْتُ فَمَا حَدُّهَا قَالَ مِنْ حُدُودِهَا أَنْ لَا تَرِثَهَا وَ لَا تَرِثَكَ قَالَ فَقُلْتُ فَكَمْ عِدَّتُهَا» یا کم عدتها «فَقَالَ خَمْسَةٌ وَ أَرْبَعُونَ يَوْماً أَوْ حَيْضَةٌ مُسْتَقِيمَةٌ.» این روایت.

این سه روایت عبد الله بن در سندش هست که قابل تصحیح نیست، کی هست و اینها مشخص نیست، بحث‌های حاج آقا در مورد این عبد الله بن عمرو در بحث ارث، این‌که آیا متمتع بها ارث می‌برد یا ارث نمی‌برد آنجا بحثش را حاج آقا مطرح کردند و حالا من اجمال، به دو طریق ممکن است شخصی این روایت را تصحیح کند، یکی این‌که بگوید جعفر بن بشیر در سند واقع هست و جعفر بن بشیر روا عن الثقاة و رواه عنه در موردش گفتند. این یک طریق.

یکی دیگر حماد بن عثمان که از طبقة دوم اصحاب اجماع هست آن در طریق واقع هست و به این طریق بخواهد روایت را تصحیح کند.

هیچ یک از این دو طریق تام نیست. اما طریق اوّل جعفر بن بشیر بنابر، ما کبرای وثاقت مشایخ جعفر بن بشیر را قبول داریم. ولی این اختصاص دارد به مشایخ مستقیمش، نه مشایخ با واسطه. این فرمایش حاج آقاست که ما هم موافقیم. این حالا بحث‌هایی دارد در مورد کبرای کلی و امثال اینها دیگر وارد آن بحث‌هایش نمی‌شویم، اگر یک موقعی بحث وابستة به این جعفر بن بشیر باشد و مشایخ مستقیمش باشد آن ممکن است بحثش را بیشتر توضیح بدهم.

اما در مورد حماد بن عثمان. حماد بن عثمان در مورد اصحاب اجماع چند مبنا در موردش وجود دارد. یک مبنا در مورد اصحاب اجماع این هست که سند اگر تا اصحاب اجماع صحیح باشد بعد از آن را دیگر نگاه نمی‌کنیم، روایت معتبر هست، این مبنا این هست که در قرون اخیر خیلی شهرت داشته. یک مبنای دیگر این هست که تا اصحاب اجماع اگر صحیح باشد بعد از آن تا معصوم تمام روات توثیق می‌شوند به معنای عامشان. امامی بودن نه، ولی توثیق می‌شوند. نه صرفاً روایت تصحیح می‌شود. راویان روایت هم توثیق می‌شوند. مرحوم حاجی نوری به این معنا معتقد هست. این دو مبنا.

مبنای سوم که مبنای صحیح این مبنا هست، آن این هست که اصحاب اجماع هیچ ویژگی خاصی با دیگران ندارند، و اصل اختصاص این اصحاب اجماع به خاطر وثاقتشان است. و اینها فقط وثاقت خود اصحاب اجماع از آن عبارت کشی در مورد اجمعت الاصابة استفاده می‌شود، نه توثیق مشایخ مستقیم یا غیر مستقیم، نه تصحیح روایاتی که تا اصحاب اجماع صحیح باشند. پس بنابراین علی ای تقدیر بنابر مبنای صحیح نمی‌شود عبد الله بن عمرو را در این سند تصحیح کرد. حالا این عبد الله بن عمرو کی است خیلی مهم نیست. البته تشخیصش هم دشوار است این‌که کی است. ولی به هر حال عبد الله بن عمرو، این به فرض هم با، عبد الله بن عمرو در رجال شیخ در اصحاب الصادق هم اگر هم با او تطبیق بشود آن هم یک شخص کاملاً گمنامی است، توثیق ندارد. حالا کی است مشخص نیست. به فرض هم شخصش را بتوانیم بشناسیم، وثاقتش قابل احراز نیست. این هم روایت، دستة هشتم.

اما دستة نهم. دستة نهم روایاتی هست که فحیضة و نصف تعبیر کرده. که این در باب، متأسفانه در جامع احادیث یک سهو اللسانی، یک غلط چاپی در جامع احادیث رخ داده. این غلط چاپی یک مقداری آدم را گمراه می‌کند. جامع احادیث دو باب به وجوب عدة علی متمتع بها دارد، یک باب در ابواب المتعة، باب هجدهم، جلد بیست و ششم، باب هجدهم از ابواب متعه. که روایتش را آورده. یکی هم در ابواب العدد، باب ۳۱، باب ان عدة المتعة قرءان. به این باب دوم در جامع احادیث که خواسته ارجاع بدهد، ؟؟؟ باب ۳۱ ان عدة الامة قرءان. عدة الامة تعبیر کرده. غلط چاپی به جای عدة متعه، عدة الامة تعبیر کرده. و این باعث شده که من ابواب العدد. این بود، من اوّلی که می‌خواستم، این را اصلاً به این باب مراجعه نکردم، گفتم این خب مربوط به عدة امة است و حکم عدة متعه را ما از عدة امه در آوردن، بستگی به ملازمه دارد که ملازمه ثابت نیست و خیال کردم از آن باب دارند این بحث را دنبال می‌کنند. ولی بعد که مراجعه کردم، چون نه اصلاً همین باب عدة المتعة است، عدة المتعة قرءان هم به این تعبیر هم اصلاً در این باب نیامده. عدة المتعة قرءان، نیامده، اصلاً در این باب هم یک روایت هم در این زمینه که عدة المتعة قرءان نیامده، فکر می‌کنم یک قدری قاتی شده به هر حال آن که هست عدة الامة قرءان ما داریم. یک دانه روایت هم در مورد این‌که عدة المتعة قرءان نقل نکرده. خب حالا روایات این باب را. روایتی داریم در مورد فحیضة و نصف. آن که داریم این هست. این باب را هم خیلی. عرض کردم هم غلط. غلط مطلبی است، عنوان‌بندی باب غلط است. عدة المتعة قرءان در این باب نداریم. این باب یک روایتش، روایت عبد الرحمن بن حجاج هست که این در باب حداد این روایت را ما خواندیم و در مورد سندش، کسی که در سندش علی بن اسماعیل هم واقع بود بحث سندی مفصلش را بحث کردیم، متن روایت این است. قال سألتُ ابا عبد الله علیه السلام عن المرأة یتزوجها الرجل متعة ثم یتوفی عنها زوجها هل علیه العدة فقال تعتد اربعة اشهر و عشرا فاذا انقضت ایامها و هو حی فیحضة و نصف مثل ما یجب علی الامة قال قلتُ فتحد. آن دیگر بحث ادامه‌اش در مورد حداد است که در بحث حداد خواندیم و در موردش صحبت کردیم. فحیضة و نصف آنجا تعبیر کرده. این هم یک روایت. یک دسته.

یک دستة دیگری که حالا این دستة دهم قرار بدهیم، یک ماه و نیم هست. یک ماه و نیم روایت زراره، روایت بعد از همین روایت. روایت صحیحة زراره قال سألت ابا جعفر علیه السلام ما عدة المتعة اذا ماته الذی تمتع بها قال اربعة اشهر و عشرا قال ثم قال یا زراره کل النکاح اذا مات عنها الزوج فعلی المرأة حرة کانت او امة ای وجه کانت نکاح منه متعة او تزویجاً او ملک یمینٍ فالعدة اربعة اشهر و عشرا و عدة المطلقة ثلاثة اشهر و الامة المطلقة علیها نصف ما علی الحرة و کذلک المتعة علیها مثل ما علی الامة.

الامة المطلقة علیها نصف ما علی الحرة. حره را سه ماه ذکر کرده، نصف حره می‌شود یک ماه و نیم. متعه را هم می‌گوید کذلک المتعة علیها مثل ما علی الامة که بحثش را قبلاً اشاره کردیم که این قدر متسلمش در ذات الشهور است. در ذات الشهور هست و این. و حاج آقا این روایت را، آن فحیضة و نصف را که در روایت عبد الرحمن بن حجاج هست به قرینة این فحیضة و نصف را حمل کردند مراد به یک ماه و نیم. حیضة و نصف، متعارفاً در هر ماه یک ماه حیض دیده می‌شود، حیضة و نصف، روایت متعدد دیگری ۴۵ روز تعیین کرده و این‌که حیضة و نصف مراد مربوط به ذات الشهور باشد. یا حالت، بنابراین که ۴۵ روز برای ذات الاقراء هم باشد اشکال ندارد. حیضة و نصف به معنای ۴۵ روز این روایت دانسته بشود. و حیضة و نصف اینجوری معنا بکنیم. که عبارت باشد از یک ماه و نیم. البته به نظرم آن وجه جمع‌هایی که حاج آقا در جاهای دیگر تعبیر می‌کنند، حاج آقا، حالا شاید نیازی نباشد به حیضة و نصف را ما به معنای ۴۵ روز بگیریم، ممکن است همان حیضة و نصف را. حیضة و نصف، یک مشکلی که دارد این‌که حالا چجوری آن نصف حیضه را محاسبه کنیم، نصف حیضه یعنی چی، این که مراد از نصف، مثل ما یجب علی الامة، بر امه هست هیچ وقت حیضة و نصف نیست. بر امه هم فوقش این بحث ۴۵ روز هست. بر امة حیضة و نصف هیچ جا در روایت‌های امة حیضة و نصف تطبیق داده نشده. مثل ما یجب علی الامة این را باید علی القاعده ممکن است از همین روایت زراره گرفته شده، یک مقدار تعبیر خلاصه نصف عدة حره بوده و مراد از نصف عدة حره بوده و مراد از نصف عدة حره در مورد ذات الشهور تعبیر بوده. در مورد ذات الشهور این تعبیر بوده، حیضة و نصف یک مقداری نقل به معنای ناتمامی شاید بوده. علی ای تقدیر این روایت هم یک دستة دیگری از روایات بحث ماست.

این روایت یک ماه و نیم، روایت ۴۰۷۱۳ است. این هم دستة دهم.

دستة یازدهم، روایة حیضة و طهرة تامة. که عبارت باشد از روایت احتجاج. همان روایت مکاتبة محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری هست که حیضة و طهرة تامة تعبیر کرده و آن را هم به تعبیر اقل تلک العدة به عنوان آن تعبیر کرده. اقل تلک العدة حیضة و طهرة تامة که این ۳۸۴۷۲، رقم این روایت هست. این هم این روایت. حالا در مورد این روایت یک توضیحی در مورد متنش بعداً عرض می‌کنم. بگذارید من دسته‌های روایت را تمام کنم.

روایت دستة دوازدهم، روایتی که فقط حیضة تعبیر کرده. روایت ابن ابی نصرف ۳۸۴۷۰، عدة المتعة حیضة. صحیحة احمد بن محمد بن ابی نصر عن الرضا علیه السلام قال قال ابو جعفر علیه السلام عدة المتعة حیضة. بعد دارد و قال خمسة و اربعون یوماً لبعض اصحابه. حالا این قال خمسة و اربعون یوماً لبعض اصحابه مراد قال ابو جعفر است، یا قال الرضا هست، چی هست، به هر حال ذیلش یک همچین تعبیری هم دارد.

در رقم ۳۸۴۲۶ هم در ذیل ابی بصیر قال لا بد من ان تقول فی هذه الشروط اتزوجک متعة کذا و کذا و علی ان تعتدی خمسة و اربعین یوما و قال بعضهم حیضة. را آنجا تعبیر کرده.

این هم این روایاتی.

این ۱۲ دسته روایات این بحث هست. حالا این ۱۲ دسته روایات را چجوری با همدیگر جمع کنیم، این را ملاحظه بفرمایید حاج آقا مفصل بحث‌هایی دارند و این ان‌شاءالله فردا در موردش صحبت می‌کنیم.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد

پایان